

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۰۹

تاریخ تصویب: ۹۷/۱۲/۱۶

صفحات: ۹۹-۱۲۱

تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم افزایشی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن^۱

امید جعفرزاده

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاستگذاری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان،

ایران

احمد آذین

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول، ایمیل: dr.azinahmad@gmail.com

مسعود جعفری نژاد

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران

چکیده

از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی به دلیل نقش مباحث ایدئولوژیک، یک تقابل عمیق میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران را در تضاد با امنیت و منافع ملی خود دیده است که در نتیجه‌ی این امر، سعی داشته است با راهبردهای مختلف به مقابله با جمهوری اسلامی ایران برخیزد. با توجه به این امر، سوال اصلی مقاله حاضر این است که راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی کدام است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که بهره‌گیری از پتانسیل مذهب تشیع و آموزه‌های اسلامی در کنار تشکیل جبهه مقاومت، محورهای اساسی قدرت نرم ایران در مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی است. در این مقاله هدف اصلی، تشریح عرصه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات رژیم صهیونیستی است و به این امر منتج می‌شود که استفاده از ترکیب قدرت نرم توسط جمهوری اسلامی ایران، موجب کاهش تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی شده است. نوع روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، تهدید، امنیت، راهبرد، جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی

۱. این مقاله از رساله‌ی دکتری با عنوان سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه قدرت هوشمند برای مقابله با پروژه ایران هراسی رژیم صهیونیستی در غرب آسیا (پس از سال ۲۰۰۱) استخراج شده است.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی - رابطه راهبردی ایران و رژیم صهیونیستی در دوران حکومت پهلوی قطع شد. تمام تماس‌های رسمی بین آن‌ها خاتمه یافت و رژیم صهیونیستی در کنار ایالات متحده به عنوان بزرگترین دشمنان انقلاب اسلامی مطرح شدند. در نتیجه این تحول، سرمایه‌های متقابلاً راهبردی به بدهی‌های راهبردی تبدیل شدند و شرکای راهبردی به دشمنان راهبردی تغییر شکل دادند. این تحولات با سرعتی خارق‌العاده مسیر کلیه امور را عوض کرد. بسیاری از صاحب‌نظران، مهمترین دلیل برای به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی توسط جمهوری اسلامی ایران را ایدئولوژیک می‌دانند. بر این اساس، چنین استدلال می‌شود که بر همگان آشکار است رژیم صهیونیستی غاصب سرزمین فلسطین است و از هیچ‌گونه مشروعیتی برخوردار نیست. از سوی دیگر، حکومت جمهوری اسلامی ایران به واسطه درون مایه اسلامی آن با آرمان فلسطین در مبارزه علیه اسرائیل قویاً همدلی نمود و برای نشان دادن جوهره اعتبار اسلامی و انقلابی نظام جدید، موضع ضداسرائیلی اتخاذ نمود. بنابراین حکومت جدید در ایران به طور کامل مواضع این کشور در قبال مناقشه اعراب و اسرائیل را تغییر داد و رهبریت انقلاب، اسلام شیعه را در راستای مبارزه با اعراب علیه اسرائیل هدایت کرد. ایران برای اثبات این حرکت، خود را در لبنان یعنی حیاط خلوت اسرائیل مستقر نمود. پای ایران به صحنه سیاست لبنان باز شد و جامعه شیعیان آن کشور در جهت یک تعهد سیاسی علیه اسرائیل قرار گرفتند. با توجه به موارد مطرح شده، رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان اصلی‌ترین عامل تهدید کننده‌ی خود می‌بیند، در نتیجه با استفاده از راهبردهای مختلف سعی در تهدید این کشور داشته است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز با استفاده از ابزارهای مختلف سعی در مقابله و دفع این تهدیدات دارد. با توجه به موارد مذکور، سوال اصلی و محوری مقاله‌ی حاضر این است که راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی کدام است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که بهره‌گیری از پتانسیل مذهب تشیع و آموزه‌های اسلامی در کنار تشکیل جبهه مقاومت، محورهای اساسی قدرت نرم ایران در مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی است. نوع روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است.

مفهوم و ویژگی‌های قدرت نرم^۱ و رویکرد جوزف نای نسبت به آن

قدرت نرم، امروزه به عنوان یکی از ابعاد مهم قدرت مورد توجه نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران مختلف بوده است. دولتمردان نیز با آگاهی از پیامدها و آثار این نوع از قدرت، سعی داشته‌اند به اهداف مختلف خود دست یابند. در نتیجه، قدرت نرم امروزه به عنوان یکی از مهمترین ابعاد قدرت مورد توجه است.

از سوی دیگر، امروزه با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، نفوذ و سلطه و به دست آوردن مستعمرات از راه لشکرکشی‌های نظامی به آسانی امکانپذیر نیست و در صورت اجرا، هزینه‌های زیادی را بر مهاجمان تحمیل می‌کند (بابایی طلائی، ۱۳۸۹: ۸۴). با توجه به سختی‌های قدرت نظامی، قدرت نرم برای اولین بار از سوی جوزف نای در حوزه روابط بین‌الملل مطرح گردید.

قدرت نرم از لحاظ تاریخی با مفاهیمی همچون فریب، ایجاد تفرقه و تخریب روحیه ارتباط دارد. این مفاهیم در میان راهبردها و دانش‌پژوهان جنگ در دوران باستان بارها مورد تأکید قرار گرفته است. ضمن آنکه نمونه‌های استفاده از جنگ نرم را می‌توان در قالب‌های فریب، ایجاد تفرقه و تخریب روحیه دشمن در دوران صدر اسلام نیز یافت. قدرت نرم در مفهوم نوین آن با ویژگی‌هایی از جمله نرم‌افزارگرایی، ذهنیت‌سازی، تهی‌سازی از درون، تغییر هویت فرهنگی، تغییر الگوهای رفتاری همراه با الگوسازی رفتاری، ایجاد تردید در مبانی و زیرساخت‌های فکری در یک نظام سیاسی، زمینه‌سازی برای ایجاد بحران در ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه و بهره‌گیری از بحران‌های سیاسی، هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و ترویج، را شامل می‌شود. هدف قدرت نرم این است که باورها و ارزش‌های جامعه هدف را به گونه‌ای جهت دهد که همچون مهاجمان بیندیشد؛ همچون آنان فکر کنند و هر آنچه آنان خوب می‌دانند، خوب بدانند و هر آنچه را که بد و زشت معرفی می‌کنند، زشت ببینند؛ و نه تنها از همفکری و همسویی با دشمنان قسم خورده احساس شرمندگی نکنند، بلکه با افتخار از آن یاد کنند (جمعی از مولفان، ۱۳۹۰: ۹-۸).

در واقع، قدرت نرم را می‌توان قدرتی دانست که باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی گردد. تغییرات حاصل از قدرت نرم، ماهوی، آرام،

۱. soft power

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

ذهنی، تدریجی و نرم‌افزارانه است. این قدرت همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از شیوه القا، مجاب‌سازی و اقناع و در بسترهای قانونی بدون ایجاد حساسیت و برانگیختن اعمال می‌شود. تبلیغات، رسانه، احزاب، سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز فرهنگی، هنری و آموزشی و ... ابزار اعمال این نوع قدرت است. در حال حاضر جهانی‌سازی فرهنگ با هدف غربی‌سازی و لیبرالیزه کردن جهان غیرلیبرال، مترادف با مفهوم قدرت نرم تلقی می‌شود.

عاملان قدرت نرم در پی آن هستند تا شهروندان جامعه را وادار به نافرمانی مدنی^۱ و اعتراض‌جویی نمایند تا بر اثر آن، رفتار حکومت، یا حتی نوع حکومت را به تدریج دستخوش تغییر قرار دهند (مرادی، ۱۳۸۹: ۴۷). در واقع، از دیدگاه عاملان اجرایی، قدرت نرم باعث می‌شود منافع و اهداف مورد نظر بدون خشونت تحقق یابد. می‌توان گفت که قدرت نرم، توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن به جای اجبار و یا امتیاز می‌باشد.

هدف از قدرت نرم در سطح استراتژیک^۲، تأثیرگذاری بر برآوردها و شناخت نخبگان و رهبران حریف (تأثیر بر شناخت) و همچنین ارباب و تأثیر بر عزم و اراده (تأثیر بر روحیه و قدرت ایستادگی) آنان است (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). در واقع در قدرت نرم، تاکید اصلی بر به دست آوردن خواسته‌ها از راه جذب کردن (به جای اجبار) است که این امر، از طریق راهبردهای فرهنگی و همچنین ایده‌های سیاسی صورت می‌پذیرد. همچنین در این نوع از قدرت، تاکید بر ارزش‌ها، در فرهنگ و نحوه رفتار با هر کشور در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است (Kelly, 2002: 37). بنابراین، مولفه‌های فرهنگی، عاملی است که باعث می‌شود تا متولیان قدرت نرم با تکیه بر آن اهداف خود را به پیش برند. از سوی دیگر، این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، نوآوری‌های سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد. زمانی که راهبردهای ما در چشم دیگران مشروعیت پیدا نماید، قدرت نرم ما تقویت شده است و باعث می‌گردد بهتر بتوانیم اهداف خود را عملی سازیم.

از سوی دیگر، عاملان قدرت نرم می‌کوشند تا بر باورهای دینی، مناسک مذهبی و ارزش‌های اخلاقی برگرفته از دین، تأثیر بگذارند. آنان می‌کوشند تا برخی باورها را متزلزل و باورهای جدیدی را بر جای آن بنشانند. از همین روی است که ترویج گروه‌های مذهبی نوپدید

۱. Civil Disobedience

۲. Strategic

_____ تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران ۵

(خرافی) از جمله روش‌های قدرت نرم تلقی می‌شود (الیاسی، ۱۳۸۹: ۲۵).

باید گفت که قدرت نرم در هر کشوری از سه منبع اصلی پدید می‌آید: ۱- فرهنگ آن کشور (آن بخش‌هایی که برای سایرین جذابیت دارد)؛ ۲. ارزش‌های سیاسی^۱ (در مواردی که در داخل و خارج از کشور مورد توجه باشند)؛ ۳. سیاست خارجی در صورتی که قانونی و مسئولانه به نظر برسد (جوادی ارجمند و طلوعی، ۱۳۹۳: ۷۸۰). از سوی دیگر، نظام آموزشی و پژوهشی قدرتمند در بهینه‌سازی و ارائه مدل‌های مورد قبول جوامع نقشی اساسی دارد (Huntington, ۲۰۰۶: ۹). همچنان که دولت‌ها هم در روابط با شهروندان و یا سایر دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی از این شیوه‌ها بهره می‌گیرند. مشروعیت^۲، نوع بسیار مهم قدرت نرم است که بدون ضرورت کاربرد زور و تهدید و قدرت سخت می‌توان با استفاده از آن به اهداف رسید (پوراحمدی ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۶۱).

با توجه به موارد مطرح شده، هدف نهایی پروژه‌ی تولید قدرت نرم، دستیابی به اهداف از طریق تضمین «پیروزی» و «اطاعت» سوژه است. در واقع این نوع از قدرت سعی دارد بدون خشونت و از طریق تاثیرگذاری بر ارزش‌ها و مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی به اهداف خود دست یابد. بنابراین، قدرت نرم سعی دارد فارغ از اجبار و تهدید انسان‌ها را ترغیب کنید تا کاری را انجام دهند که شما می‌خواهید. اگر اصل رضایتمندی را به عنوان یک اصل اساسی و یک ویژگی ماهوی برای قدرت نرم به شمار آوریم، دیگر نمی‌توان آن را بعدی مکمل برای ابعاد دیگر قدرت تلقی کرد. به همین دلیل است که جوزف نای^۳ معتقد است «به کارگیری قدرت سخت^۴ می‌تواند منجر به کاهش قدرت نرم شود» و این از آن رو است که کاربرد قدرت سخت در بسیاری موارد از جذابیتی که قرار است توأم با رضایتمندی اهداف را تأمین کند، می‌کاهد.

بنابراین، تغییرات حاصل از تهدید نرم، ماهوی، آرام، ذهنی، تدریجی و نرم‌افزارانه است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از شیوه القا، مجاب‌سازی و اقناع و در بسترهای قانونی بدون ایجاد حساسیت و برانگیختن اعمال می‌شود. تبلیغات، رسانه، احزاب، سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز فرهنگی، هنری و آموزشی و ... ابزار اعمال این نوع تهدید است.

۱. Political values

۲. Legitimacy

۳. Joseph Nye

۴. Hard power

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

در حال حاضر جهانی سازی فرهنگ با هدف غربی سازی و لیبرالیزه کردن جهان غیرلیبرال، مترادف با مفهوم تهدید نرم تلقی می شود.

از سوی دیگر، جلب قلوب و افکار همواره موضوع مورد توجه رهبران جهان بوده است اما در عصر اطلاعات و ارتباطات جهانی این امر نزد سیاستمداران اهمیتی مضاعف یافته است (احمدزاده و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۷۰).

امروزه با توجه به به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت های جهان، نفوذ و سلطه و به دست آوردن مستعمرات از راه لشکرکشی های نظامی به آسانی امکان پذیر نیست و در صورت اجراء، هزینه های زیادی را بر مهاجمان تحمیل می کند. (بابایی طلائی، ۱۳۸۹: ۸۴).

در مجموع می توان فهرست زیر را به مثابه نقاط افتراق تهدیدات سخت و نرم برشمرد:

- ۱- حوزه تهدید و جنگ نرم، حوزه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است.
- ۲- تهدید و جنگ نرم پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان و اندازه گیری آن مشکل است و به عنوان یک سازه تحت تأثیر متغیرهای مختلف روان شناختی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.
- ۳- روش اعمال تهدید و جنگ نرم، بهره گیری از مدل های روان شناختی در تغییر رفتار، مجاب سازی، القاء و اقناع سازی است.
- ۴- هدف در تهدید و جنگ نرم تأثیرگذاری بر انتخاب ها، فرآیند تصمیم گیری و مدل و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت های فرهنگی و باورمندی است.
- ۵- مفهوم امنیت^۱ در هیافت های نرم افزارانه سخت افزارانه شامل امنیت ارزش ها و هویت های اجتماعی است در حالی که این مفهوم در هیافت های سخت افزارانه به معنای نبود تهدید خارجی تلقی می شود. (نائینی، ۱۳۸۹: ۹۷)

همچنین باید گفت که تهدید و جنگ نرم به دلیل ماهیت غیرعینی و محسوس آن، عمدتاً فاقد عکس العمل است، مسالمت آمیز بوده و جنبه ی غیرخشونتت دارد و لذا در برخوردهای سطحی حساسیتی را در جامعه و حکومت بر نمی انگیزد. پدیده تهدید و جنگ نرم بطئی، آرام و خزنده عمل نموده، به طور تدریجی در جامعه شکل می گیرد و افراد به سختی متوجه تکوین آن می گردند. جنگ نرم یک جنگ نامحسوس است، یعنی ماهیت جنگ در آن پیدا نیست. به

_____ تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران ۵

عبارت دیگر در تهدید سخت؛ تهدیدگر، یگان‌ها، ابزار و روش‌های آن، لجمن دشمن (لبه جلوی منطقه نبرد) و خطوط جانبی آن قابل درک است. در حالی که در تهدید نرم بدون کاربرد زور با استفاده از قدرت نرم، نخبگان و مردم جامعه هدف، کاری را انجام می‌دهند که خواست مهاجم است. از این جهت، لجمن دشمن (لبه جلوی منطقه نبرد)، خطوط جانبی، یگان‌ها و قرارگاه‌های دشمن قابل درک نیست.

مرجع امنیت در حوزه تهدیدات سخت عمدتاً دولت‌ها هستند در حالی که مرجع امنیت در تهدیدات نرم محیط فروملی و فراملی (هویت‌های فروملی و جهانی) است. به عبارت دیگر برای تأمین امنیت، در شرایط تهدید سخت^۱، دولت با استفاده از قوای قهریه مقابله می‌کند، در حالی که در تولید امنیت در شرایط تهدید نرم، نیاز به تولید قدرت نرم در بسترهای اجتماعی و افزایش مقبولیت و کارآمدی مدل و اندیشه خودی می‌باشیم.

کاربرد قدرت نرم در رویکردهای امنیتی جدید علیه نظام‌های سیاسی مخالف یا معارض، مترادف با فرهنگ‌سازی و نهادسازی در چارچوب اندیشه و الگوهای رفتاری نظام‌های لیبرال و دمکراسی تلقی می‌شود. در حالی که، کاربرد قدرت سخت در رویکرد امنیتی عمدتاً مترادف با فروپاشی نظام‌های سیاسی - امنیتی مخالف یا معارض است.

از دیدگاه جوزف نای، قدرت نرم صرف نفوذ نیست، هرچند یک منبع نفوذ است. نفوذ می‌تواند به قدرت سخت تهدیدات یا تطمیع‌ها نیز بستگی داشته باشد. قدرت نرم از اقتناع صرف یا توانایی تحریک مردم با استدلال فراتر می‌رود، هرچند اقتناع بخشی مهم از آن به شمار می‌آید. قدرت نرم توانایی اغوا و جذب نیز است. از دیدگاه رفتاری، قدرت نرم قدرت جذاب است و از دیدگاه منابع، قدرت نرم موهبت‌هایی هستند که این جذب را تولید می‌کنند. اینکه آیا موهبتی خاص منبع جذاب قدرت نرم هست یا خیر را می‌توان از طریق نظرسنجی یا گروه‌های مورد نظر اندازه‌گیری کرد. اما اینکه آیا آن جذب در مقابل، پیامدهای سیاسی مطلوب را به وجود می‌آورد یا خیر باید در هر مورد خاص مورد قضاوت واقع شود. اما شکاف بین قدرتی که به عنوان منابع اندازه‌گیری می‌شود و قدرتی که با پیامدهای رفتار مورد قضاوت قرار می‌گیرد منحصر به قدرت نرم نیست. این امر در تمام اشکال قدرت رخ می‌دهد. برای نمونه، انگلیس و فرانسه پیش از سقوط فرانسه در سال ۱۹۴۰ بیشتر از آلمان تانک داشتند اما این مزیت در منابع قدرت نظامی

۱. Hard Threat

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

نتیجه جنگ را به طور دقیق پیشگویی نکرد. (نای، ۱۳۸۸: ۱۸۷).

جوزف نای معتقد است آنچه وی با عنوان قدرت نرم درباره آن سخن گفته است در حقیقت: راه غیرمستقیم دستیابی به خواسته‌هاست... راهی که در آن از تهدید و سیاست چماق و هویج خبری نیست... در قدرت نرم، دیگران بیش از آن که به کاری مجبور شوند، به همکاری گرفته می‌شوند و این از آن‌رو است که دیگران ترغیب می‌شوند که همان چیزهایی را بخواهند که ما می‌خواهیم... لذا قدرت نرم بر قابلیت شکل دادن به علایق دیگران تکیه دارد (نای ۱۳۸۷، ۴۳).

آنچه باعث می‌شود موضوع قدرت نرم اهمیت یابد، همانا استقلال تأثیرگذاری آن از قدرت سخت است. طرفه آن که در برخی موارد می‌تواند در تعارض با قدرت سخت نیز قرار گیرد. این نوع قدرت به روایت نای از حیث منبع دارای سه حوزه است: «فرهنگ یک کشور (آن بخش‌هایی که برای دیگران دارای جذابیت است) فرهنگ بسیار سخت است (در مواردی که در داخل و خارج مورد توجه باشند) و بالأخره (در صورتی که قانونی و مسوولانه به نظر برسد) (نای ۱۳۸۷، ۵۱).

هنگامی که کشورها قدرت خود را در نظر دیگران مشروع جلوه دهند، با مخالفت کمتری با خواست‌های خود روبرو خواهند شد. اگر فرهنگ و ایدئولوژی^۱ کشوری جذاب باشد دیگران با میل و رغبت بیشتری از آن کشور تبعیت می‌کنند. اگر کشوری بتواند قواعد بین‌المللی را به گونه‌ای که متناسب با منافعش باشد شکل دهد، به صورت طبیعی سیاست‌های اجرایی آن به دلیل انطباق با قواعد بین‌المللی مذکور، از مشروعیت بیشتری نزد دیگران برخوردار خواهد بود. به همین سیاق اگر چنین کشوری از این سازمان‌ها و قواعد برای ترغیب دیگر بازیگران جهت تحدید رفتارها و یا اصلاح سیاست‌هایشان در راستای اهداف موردنظرش بهره بگیرد، به طوری که با صرف هزینه کمتری همراه باشد، میزان بیشتری از اهدافش را محقق خواهد ساخت (نای ۱۳۸۸، ۵۱).

ابعاد مختلف تهدیدات رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران

از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی، با توجه به ماهیت ایدئولوژیک آن، رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از مولفه‌های ناامنی و تهدید در منطقه خاورمیانه تلقی شده است. از آنجایی که این

۱. Ideology

_____ تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران ۵

رژیم، انقلاب اسلامی را در تضاد با آرمان‌های خود می‌دیده است، سعی داشته تا به انحای مختلف، به مقابله با آن برخیزد. به طور کلی، دو نگاه در ساختار قدرت رژیم صهیونیستی نسبت به ایران وجود دارد: یک نگرش، ایران را دشمن ایدئولوژیک می‌داند که به دنبال نابودی فیزیکی رژیم صهیونیستی است و نگرش دوم، ایران را کشوری پیچیده می‌داند که تابعی از منافع ملی و حفظ ملاحظات نظام سیاسی خود است. به باور مقام‌های رژیم صهیونیستی، افزایش قدرت ایران در منطقه موجب قدرتمند شدن مخالفان رژیم صهیونیستی و جنبش‌های مقاومت فلسطین خواهد شد که به نفع این رژیم نیست.

رژیم صهیونیستی در راهبردهای سیاست خارجی خود همواره بر یک اصل اساسی تأکید داشته است و آن جلوگیری از ظهور هژمون منطقه‌ای است (Haass, ۲۰۰۶: ۶۱). بنابراین، این رژیم در جهت افزایش تهدیدات علیه ایران، همواره استفاده از اهرم فشار بر آمریکا و قدرت‌های غربی را در جهت افزایش تحریم‌های اقتصادی و استفاده از ابزار نظامی را مورد توجه قرار داده است (Rubin, ۲۰۰۹: ۴۱).

رژیم صهیونیستی‌ها به دلایل غیرقابل انکاری راهبردهای نظامی و یا تسلیحاتی را که می‌توانند به طور بالقوه برای فرو نشانیدن یک حمله مورد استفاده قرار گیرند، فاش نمی‌کنند. اما تحلیلگران دفاعی رژیم صهیونیستی و مقامات ارشد تل‌آویو اظهار کرده‌اند که رژیم صهیونیستی به طور جدی گزینه نظامی را در پیش گرفته است، اما با تعمق زیاد به خوبی به درگیری‌های گسترده‌ای که یک چنین حمله‌ای به وجود خواهد آورد، پی خواهند برد اگر رژیم صهیونیستی تصمیمی برای حمله علیه ایران بگیرد، به احتمال زیاد تمرکزش بر سه نقطه خاص معطوف خواهد بود، نطنز، جایی که بیشترین مقدار سانترفیوژ ایران در آن قرار دارد، اراک، مکانی که راکتورهای آب سنگین ایران در آنجا ساخته می‌شوند، و بوشهر که راکتورهای برق هسته‌ای آب سبک ایران در آن مستقر هستند (بن مایر، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

در ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی این تفکر مطرح است که به سبب محدودیت‌های جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی خاص آن تهدید برای این رژیم از ماهیتی «وجودی» برخوردار است و می‌تواند همه موجودیت آن را از میان ببرد. هر جنگی ممکن است به عنوان آخرین نبرد، به موجودیت این رژیم خاتمه دهد و یا ضربه اساسی وارد کند. عوامل عدم مشروعیت، موقعیت ژئوپلیتیک نامطلوب و جمعیت اندک به همراه ماهیت آمرانه، زورمندانه و اشغال‌گر و فقدان عمق استراتژیک و بالاخره محاصره وسیع از جانب همسایگان عرب، محیط امنیتی ناآرامی را برای

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

این رژیم سبب گردیده است. از این رو تلاش شده تا نه تنها مانع آغاز جنگ، بلکه مانع شکل‌گیری هر اقدامی برای حمله شده و این موضوع را از طریق یک قدرت بازدارنده دنبال نموده و یا در صورت وقوع جنگ، با انتقال جنگ به خاک دشمن و سیاست‌های تجاوزکارانه با استفاده از جنگ‌های برق‌آسا، بتواند تمهیداتی برای مقابله با ضعف‌های خود (مثلاً فقدان عمق استراتژیک) داشته باشد. از نظر بن‌گورین، رژیم صهیونیستی با افزایش قدرت نظامی خود در همه ابعاد باید به کشورهای دیگر و بالاخص ایران بفهماند که حالت جنگی به نفع آن‌ها نیست و آن‌ها را به تشویق به پذیرش وضع موجود، صرفنظر کردن از سرزمین‌های اسلامی و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی نماید. در واقع، سیاست بازدارندگی رژیم صهیونیستی برداری است که یک سوی آن جلوگیری از تهدیدات فوری و روزمره و سر دیگر آن شناسایی منطقه‌ای، بومی شدن و تضمین همیشگی بقا به عنوان یک اصطلاح دولت برخوردار از حاکمیت است.

به طور کلی، حمایت از فلسطین و مخالفت با رژیم صهیونیستی جزئی از هویت جمهوری اسلامی ایران است. این هویت باعث تقابل راهبردی با رژیم صهیونیستی شده که در نتیجه این امر، این رژیم به وسیله عوامل مختلف سعی دارد به تهدید جمهوری اسلامی ایران بپردازد. از دیدگاه رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران تهدید اصلی برای بقای رژیم است، در نتیجه، باید با استفاده از همه‌ی ابزارها به مقابله با آن برخاست.

از سوی دیگر، برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز باعث شده است تا رژیم صهیونیستی با توجه به دیدگاه‌های کلان خود که برنامه‌های هسته‌ای ایران را در راستای تضعیف امنیت ملی خود قلمداد می‌کند، به مقابله با آن بپردازد. با مطرح شدن فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل، موضع‌گیری‌ها، فشارها و تهدیدات آمریکا و رژیم صهیونیستی بر موضوع پرونده هسته‌ای ایران آغاز شد. به طوری که عمده تصمیمات شورای حکام ناشی از مسائل فنی و فناورانه در پرونده نبوده، بلکه ناشی از فشارهای سیاسی و تهدید به ارجاع پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت بوده است. در کنار این فشارها، رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران را همواره به حمله‌ی نظامی به تأسیسات هسته‌ای به عنوان «حمله‌ی پیشگیرانه» تهدید نموده است. (ترکاشوند و مرادی، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

منتفی دانستن احتمال حمله نظامی رژیم صهیونیستی به ایران تنها زمانی ممکن خواهد بود که ایالات متحده تمامی اقدامات لازم را برای جلوگیری از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای انجام دهد. اما طبق شواهد موجود، تنها در شرایط بسیار خاص و ویژه است که در آن رژیم

_____ تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران ۵

صهیونیستی دست به اقدامات یک جانبه علیه ایران خواهد زد. نخست اینکه، اگر رژیم صهیونیستی به این نتیجه برسد که مذاکرات بین ایران، متحد و جامعه جهانی با شکست روبرو شده و ایران جسورانه به سمت شکوفایی هسته‌ای نزدیک شود دوم اینکه، تحریم‌های سنگین و سایر اقدامات تحمیلی جامعه جهانی علیه ایران با شکست روبرو شوند، و ایران ضمن تهدید رژیم صهیونیستی از برنامه هسته‌ای خود کوتاه نیاید، و سوم اینکه، سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی به صراحت تأیید کند که تهران در آستانه دستیابی به فناوری هسته‌ای بوده و به تبع آن تهدید ایران به رژیم صهیونیستی قریب الوقوع می‌شود و هیچ کشور دیگری مایل به انجام اقداماتی پیشگیرانه نیست. تحت چنین شرایطی است که رژیم صهیونیستی به حمله یک جانبه بر ضد ایران علاقه‌مند خواهد بود؛ چرا که خطر ناشی از بی‌حرکی به رغم فاجعه‌هایی که به بار خواهد آورد، بیشتر از عواقب منطقه‌ای و جهانی ایران هسته‌ای است.

رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۹ و در دوره نخست وزیری نتانیاهو راهبرد جدیدی را آغاز کرده است که مهمترین سرفصل آن را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

- ۱- انجام اقدام‌های مخفیانه با هدف به تأخیر انداختن و یا توقف برنامه هسته‌ای ایران (اقدامی که بیش از آن نیز انجام می‌شد)؛
- ۲- تشدید اقدام‌های دیپلماتیک؛
- ۳- انجام حمله نظامی مستقل و ترور دانشمندان ایرانی.

از سوی دیگر باید گفت که تشکیلات نظامی رژیم صهیونیستی نقش مهمی در اجرای اهداف استراتژی صهیونیسم ایفا می‌کند. بکارگیری این تشکیلات، علیرغم تصور برخی، به وقایع سال ۱۹۴۸ باز نمی‌گردد. بلکه این مسئله از بدو پیدایش جنبش صهیونیسم بر تفکر و اندیشه استراتژی صهیونیسم غلبه داشت. شاید در یادداشت‌های هر تزل بتوان اشارات عدیده‌ای را مبنی بر لزوم ایجاد تشکیلات نظامی لازم به دست آورد. (ربابعه، ۱۳۶۸: ۴۳).

رژیم صهیونیستی به دلایل غیرقابل انکاری راهبردهای نظامی و یا تسلیحاتی را که می‌تواند به طور بالقوه برای فرونشاندن یک حمله مورد استفاده قرار گیرند، فاش نمی‌کنند. اما تحلیلگران دفاعی رژیم صهیونیستی و مقامات ارشد این رژیم اظهار کرده‌اند که رژیم صهیونیستی به طور جدی گزینه نظامی را در پیش گرفته است، اما با تعمق زیاد به خوبی به درگیری‌های گسترده‌ای که یک چنین حمله‌ای به وجود خواهد آورد، پی خواهند برد اگر رژیم صهیونیستی تصمیمی برای حمله علیه ایران بگیرد، به احتمال زیاد تمرکزش بر سه نقطه خاص

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
معطوف خواهد بود، نطنز، جایی که بیشترین مقدار سانترفیوژ ایران در آن قرار دارد، اراک، مکانی که راکتورهای آب سنگین ایران در آنجا ساخته می‌شوند، و بوشهر که راکتورهای برق هسته‌ای آب سبک ایران در آن مستقر هستند. (بن مایر، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در بعد نرم‌افزاری در جهت مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی

مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در بعد نرم‌افزاری برای مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی را می‌توان اینگونه بیان داشت:

الف. آشکار سازی هویت جعلی رژیم صهیونیستی

آنچه بیش از همه در کسب و عدم کسب مشروعیت قابل توجه است، بحث هویت می‌باشد. اینکه بازیگر در عرصه جهانی خود را چگونه تعریف نماید، می‌تواند به اعمال و اقدامات آن مشروعیت داده و تصویری متناسب با خواسته‌اش را ایجاد نماید. رژیم صهیونیستی از بدو تشکیل خود در جهت ایجاد یک هویت با تکیه بر آموزه‌های یهودی، تلمود، ایدئولوژی صهیون و سابقه تاریخی برآمد. اما هنوز نتوانسته است هویت منسجم برای خود تعریف نماید و آن را تثبیت کند. از سوی دیگر بعد از وقوع انقلاب اسلامی و تعریف هویت جدیدی از سوی ایران، رفتار و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال رژیم صهیونیستی، زیر سوال بردن مشروعیت رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت آپارتایدی و توسعه طلبانه این رژیم استوار شده است. جمهوری اسلامی ایران با پایه قرار دادن ارزش‌ها و باورهای اسلامی به غیریت سازی هویت رژیم صهیونیستی مبادرت کرد که نتیجه آن، مطرح شدن هویت غاصب، ظالم و نژادپرست رژیم صهیونیستی بود که این امر جمهوری اسلامی ایران را در تقابل وجودی با آن قرار داده است.

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و تعریف هویت جدیدی از سوی ایران، رفتار و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال رژیم صهیونیستی، زیر سوال بردن مشروعیت رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت آپارتایدی و توسعه طلبانه این رژیم استوار شده است. جمهوری اسلامی ایران با پایه قرار دادن ارزش‌ها و باورهای اسلامی به غیریت سازی هویت رژیم صهیونیستی مبادرت کرد که نتیجه آن، مطرح شدن هویت غاصب، ظالم و نژادپرست رژیم صهیونیستی بود که این امر

_____ تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران ۵

جمهوری اسلامی ایران را در تقابل وجودی با آن قرار داده است. ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، به دنبال تاثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود می‌باشد (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۰). جمهوری اسلامی ایران موضوع رژیم صهیونیستی را از حوزه تقابل ملی‌گرایانه اعراب و رژیم صهیونیستی به عرصه تقابل جهان اسلام با جهان استکبار تغییر داده است و واحد تحلیل را امت اسلامی می‌داند که فراسوی مرزهای ایجاد شده استعمار قرار دارد. انعکاس جهانی چهره حقیقی رژیم جعلی رژیم صهیونیستی و هویت غاصب و سلطه جویانه آن موجب خدشه دار شدن مشروعیت رژیم صهیونیستی در نزد افکار عمومی جهان اسلام و ملت‌های آزاده خواه گشته است (دهشیری و بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۴۰-۱۳۹).

در نتیجه می‌توان اذعان کرد که تعریف هویت انقلاب اسلامی در مقابل هویت رژیم صهیونیستی، منجر به خدشه دار شدن مشروعیت هویت رژیم صهیونیستی گشته است. مضافاً آنکه اقدامات و اعمال خسونت‌آمیز این رژیم در سرکوب وحشیانه مردم فلسطین با واکنش جامعه بین‌المللی نیز روبه رو شده است.

ب. صدور انقلاب اسلامی

ماهیت اعتقادی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران و نظام برخاسته از آن، از یک سو باعث شده است تا دشمنی قدرت‌های حاکم جهانی برانگیخته شود و از سوی دیگر، ایران به کانون بیداری ملت‌ها به ویژه مسلمان‌ها تبدیل شود. از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی تاکنون، جمهوری اسلامی ایران در جهت انتقال آموزه‌ها و راهبردهای خویش به جوامع دیگر احساس وظیفه کرده و با طرح اندیشه صدور انقلاب در صدد پاسخ به این نیاز دو سویه انقلاب و طرفداران فراملی آن برآمده است.

صدور انقلاب، به معنای تبیین و ترویج انقلاب اسلامی و معرفی آن به ملل دیگر، یکی از اهداف و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌باشد. صدور انقلاب، ساز و کاری برای اشاعه و گسترش ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و رساندن پیام رهایی بخش و آزادی بخش آن به ملت‌ها و مردمان دیگر است؛ فرآیندی که الهام بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف است، تا به همان غایتی رهنمون شوند که ملت ایران آن را تجربه کرده است؛ یعنی

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

رهایی از قید و بندهای استبداد و استکبار و برقراری عدالت و قسط در قالب یک نظام عادل اسلامی. عدالت و سعادت انسانی، تنها در چارچوب حکومت عدل اسلامی تحقق می‌یابد؛ از این رو، باید تلاش کرد تا برای استقرار عدالت اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی در سایر جوامع گسترش یابد. تأمل و تفکر در گفتمان انقلاب اسلامی و رهبران آن، آشکار می‌سازد که منظور از صدور انقلاب اسلامی، ایجاد تحول خشونت‌آمیز انقلابی در کشورهای دیگر نیست، بلکه مقصود از صدور انقلاب، تبیین و ترویج ارزش‌ها و آرمان‌های آن به صورت مسما‌لت‌آمیز می‌باشد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۴). با توجه به سیاست صدور انقلاب، جمهوری اسلامی ایران در راهبردهای خویش سعی داشته است تا با حمایت از مردم فلسطین، آنان را در جهت مقابله با رژیم صهیونیستی بسیج کند. از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی تاکنون، جمهوری اسلامی ایران، برای نشان دادن جوهر اعتبار اسلامی خود رویکردی اتخاذ کرده است که در تضاد با منافع رژیم صهیونیستی است. انقلاب اسلامی در ایران قضیه فلسطین را بار دیگر در کانون توجهات قرار داده و موجودیت اسراییل را مورد انکار قرار داد و بر حقوق فلسطینیان تأکید کرد. در این راستا، به هر اندازه که جمهوری اسلامی ایران بتواند ارزش‌ها ایدئولوژیک خود را به اقوام و هویت‌های موجود در جامعه رژیم صهیونیستی صادر نماید، این مهم به عنوان تهدیدی برای این رژیم محسوب می‌گردد.

ج: فرهنگ پایداری و مقاومت

وقوع انقلاب اسلامی ایران به احیای کارکردهای سیاسی دین در مخالفت با وضع موجود در نظام بین‌الملل و ارائه نظمی نوین و عادلانه برای آن انجامید. انقلاب اسلامی با تجدید حیات قدرت سیاسی اسلام، در ایجاد اعتماد و بیداری ملل تحت ستم، نقش موثری ایفا نموده و به چند قرن خمودگی و انحطاط تمدن اسلامی خاتمه داده و موجب بروز نوعی بیداری و احیاگری اسلامی، آن هم بر پایه بازگشت به اسلام شده است. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و در سال‌های پس از آن، روحیه مبارزه با سلطه و مظاهر آن، در کنار پایداری در برابر سختی‌ها و مشکلات، به تدریج موجب خلق نوعی قدرت نرم در میان امت اسلامی شد که امروزه به نام فرهنگ مقاومت شناخته می‌شود و پویایی و بالندگی آن موجب شده است به صورت فرآیندی کنترل‌ناپذیر، مرزهای جغرافیایی را در نوردد و موجب دگرگونی‌های عمیق در مناسبات بین‌المللی شود.

تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران ۵

در عین حال، یکی از مهمترین مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، پایداری و مقاومت است که تحت تاثیر فرهنگ شیعی، به ویژه واقعه عاشورا قرار دارد و در عرصه‌های مختلف، اشکال متفاوتی به خود گرفته است برای نمونه، در جنگ تحمیلی نیز پایداری، بیشتر شکل مقاومت مردمی و شهادت طلبی برای دفاع از اسلام و سرزمین در برابر تهاجم خارجی را به خود گرفته بود. در دوران پس از جنگ تحمیلی، پایداری بیشتر به شکل تاکید بر اصول و مقاومت در برابر هرگونه سازش در برابر کشورهای غربی معنا شد (جعفری و قربی، ۱۳۹۵: ۸۹).

براساس شاخص‌های فرهنگ سیاسی و ایدئولوژی ایران، هویت مقاومت به وجود آمد. این هویت دارای برخی نمادهای فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک بوده است. هویت مقاومت در حمله نظامی عراق به جمهوری اسلامی و ظهور تهدیدهای ترکیبی علیه امنیت ملی ایران گسترش بیشتری یافت. بسیاری از تحلیلگران معتقدند هویت مقاومت در ایران گسترش بیشتری یافته و هویت مقاومت در ایران همواره براساس آموزه‌های دینی و اسطوره‌های ناشی از «نهضت عاشورا» شکل گرفته است. این مسئله نشان می‌دهد نشانه‌های دینی فرهنگ سیاسی ایران در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران که ماهیت ایدئولوژیک دارد، از کارآمدی و مطلوبیت بیشتری در مقایسه با دوران قبل برخوردار شده است. واژه‌هایی که امام خمینی (ره)، به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران، علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی به کار گرفتند، نشان داد که می‌توان تضادهای نهفته در فرهنگ سیاسی و ایدئولوژیک ایران در قبال قدرت‌های بزرگ را در قالب اندیشه‌های دینی و ساختار انقلابی برسازی کرد. (پوستین چی، ۱۳۸۹: ۱۲).

براساس تحلیل ژئوپلیتیکی، راهبرد امنیتی ایران در مقابله با سیاست سیطره‌جویی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی، بر جلوه‌هایی از موازنه‌گرایی قرار دارد. بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که راهبرد موازنه‌ی منطقه‌ای دارای جهت‌گیری و نشانه‌های مبتنی بر مقاومت‌گرایی خواهد بود. به این ترتیب، هژمون‌گرایی جهان غرب به عنوان زمینه‌ای برای رشد مقاومت‌گرایی اسلامی تلقی می‌شود. از این رو، ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی خود را بر موازنه‌گرایی به هدف مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی تنظیم نموده است.

از جنبه‌ی هویتی، جمهوری اسلامی ایران که با هویت اسلامی و انقلابی پا به عرصه‌ی سیاست بین‌الملل گذاشته بود، ناگزیر باید براساس الزامات این هویت، رفتار می‌کرد. از سوی دیگر، سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی که هویت متمایزی از جمهوری اسلامی ایران

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

داشتند، به گونه‌ای اقدام و رفتار می‌کردند که خواسته یا ناخواسته، امنیت هویتی و هستی شناختی این کشور را به شدت در معرض تهدید قرار می‌دادند. این امر باعث می‌شد تا جمهوری اسلامی ایران به شدت در صدد دفاع از هویت و امنیت هستی شناختی خود باشد. رژیم‌های محافظه کار غرب آسیا، صهیونیسم و قدرت‌های بزرگ طرفدار وضع موجود، اصلی‌ترین بازیگرانی بودند که خود را در مقابل این هویت تعریف می‌کردند. مجموعه‌ی شرایط فوق، زمینه‌های لازم را برای ظهور الگوی جدیدی از قدرت در ژئوپلیتیک خاورمیانه فراهم آورد که روند هویت‌یابی سیاسی خود را در مقابل قدرت‌های بزرگ (دنیای استکبار) و در چارچوب بازتولید محور مقاومت دنبال می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با الهام از این انقلاب، جنبش‌های اسلامی اساس مبارزه‌ی خود را بر مقاومت و پایداری قرار داده‌اند تا جایی که امروزه مقاومت به صورت یک فرهنگ درآمده است. آنچه در سال ۲۰۰۶ به عنوان هلال شیعی نام برده شد، انعکاس گسترش هنجارهای سیاسی انقلاب اسلامی از جمله مقاومت در حوزه‌ی سیاست بین‌الملل بوده است. (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۹).

بنابراین، پایداری و مقاومت در برابر تهدیدات، یکی از عناصر تولید کننده قدرت نرم و تضعیف قدرت رژیم صهیونیستی است؛ زیرا این رژیم در فرآیند تهدیدزدایی فرهنگی و نرم افزاری، مترصد کاهش سطح مقاومت و پایداری ملت در جمهوری اسلامی ایران است و در عین حال، مترصد ایجاد روحیه سازش و تسامح در برابر پیام‌های تولید شده خود می‌باشد که می‌تواند نوعی رخوت، سستی، بی‌اعتمادی و کاهش مشروعیت را به همراه داشته باشد. عنصر پایداری و مقاومت، در سند چشم‌انداز خود را با «عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی» (مقدمه سند چشم‌انداز) نمایان می‌سازد. در عین حال، در اصل اول سند چشم‌انداز بر «حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها» تأکید شده است اما با توجه به ماهیت نرم افزاری تهدیدات و تلاش برای ایجاد ناامنی فرهنگی و اخلاقی، پایداری و مقاومت در برابر دشمنان، بیشتر ماهیتی نرم افزاری پیدا کرده است. از آنجایی که بی‌اعتمادی مردم به نظام سیاسی، کاهش تعلق به وطن و نظام سیاسی، کاهش قدرت اسلام و تضعیف فرهنگ ارزشی، در عصر حاضر مدنظر قدرت‌های بزرگ می‌باشد، مقاومت و پایداری در سند چشم‌انداز خود را با مؤلفه‌هایی نظیر «متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن» (اصل پنجم سند چشم‌انداز) و اصل بازدارندگی (اصل سوم سند چشم‌انداز) نشان می‌دهد. با این اوصاف، مقاومت و پایداری در برابر تهدیدات نرم و تعلق خاطر

تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران^۵
به ملیت، دین و ارزش‌های بومی، یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز است.

در مجموع، می‌توان نشانه‌های قدرت نرم گفتمان مقاومت در محیط منطقه‌ای را در بستر بازتولید سه عنصر عدالت خواهی، صهیونیسم ستیزی و صلح طلبی مثبت مورد توجه قرار داد. عنصر صهیونیسم ستیزی و سلطه ستیزی، بعد سلبی گفتمان مقاومت می‌باشد، در حالی که عدالت خواهی و حق طلبی وجه ایجابی این گفتمان را تشکیل می‌دهد. در کنار دو مؤلفه‌ی فوق، صلح طلبی مثبت، عنصر سوم گفتمان مقاومت است که دلالت بر این موضوع دارد که برای صلح، نبود جنگ لازم است اما کافی نیست. صلح مثبت مستلزم این است که تمام تبعیض‌ها و نابرابری‌ها به ویژه خشونت ساختاری در نظام بین‌الملل نباشد که یکی از مصادیق بارز خشونت ساختاری منطقه‌ی غرب آسیا رابطه‌ی رژیم صهیونیستی با فلسطینیان است. صلح وقتی برقرار است که تبعیض و نابرابری نباشد، بلکه عدالت برقرار باشد.

د. عدالت خواهی

عدالت خواهی که به عنوان اصلی مهم در تحقق هدف نهایی زندگی انسان است و در مرکز اندیشه‌ی سیاسی شیعه قرار دارد، بیشترین سهم را در راهبردهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران داشته است. از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، جهان امروز جهانی است که در آن بی‌عدالتی نهادینه شده و کشورهای قدرتمند با استفاده از ابزارهای مختلف در صدد استعمار و استثمار کشورهای ضعیف هستند.

با توجه به این امر، داعیه جمهوری اسلامی ایران، برقراری عدالت در سطح بین‌الملل است اهداف خود را فراتر از مرزها جستجو می‌کند؛ یعنی به موازات تلاش برای تحقق خواست‌ها و نیازهای داخلی، درصدد دستیابی و تحقق آرزوهای خود در ورای مرزهای جغرافیایی ایران می‌باشد. تحقق این عدالت در سطح جهانی و بین‌المللی، تنها از طریق استقرار نظم جهانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی امکان پذیر است. امام خمینی (ره) تصریح و تأکید می‌کند، هدف اسلام و به تبع آن انقلاب اسلامی، تنها برقراری عدالت در ایران یا حتی جهان اسلام نیست؛ بلکه هدف آن، استقرار عدالت در سراسر جهان می‌باشد. اسلام داعیه جهانی دارد؛ بنابراین، خاص یک مملکت و یا گروه خاصی از مسلمانان نیست و برای کل بشر آمده است. امام خمینی در مورد هدف غایی انقلاب اسلامی می‌گوید: «ما می‌خواهیم عدالت اسلامی در این مملکت برقرار

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
کنیم... یک همچو اسلامی که عدالت محور باشد، اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد...» (امام
خمینی، ۱۳۷۰، ج ۹: ۲۱). آیت الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی نیز تصریح می‌کند: «گفتمان
عدالت، یک گفتمان اساسی است؛ همه چیز ماست؛ منهای آن جمهوری اسلامی هیچ حرفی
برای گفتن نخواهد داشت» (سخنرانی مقام معظم رهبری در جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱:
۱۱۳).

مبارزه و مقابله با صهیونیسم بین‌الملل و رژیم صهیونیستی، از مهمترین الگوهای رفتاری
مبتنی بر رفع همگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌باشد؛ چون رژیم صهیونیستی،
نماد بی‌عدالتی و تبعیض نژادی در نظام بین‌الملل معاصر و موجود به شمار می‌آید و رژیمی است
که براساس اشغال و غصب سرزمین ملت مظلوم فلسطین توسط قدرت‌های استعماری، در قلب
جهان اسلام بر پا شده است. بنابراین، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی نفی و
قطع رابطه با رژیم صهیونیستی استوار می‌باشد.

ه. شکل‌گیری جنبش‌های جهادی فلسطین و حزب الله لبنان تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران

از پیامدهای قدرت نرم ایران در لبنان این است که جنبش حزب الله به عنوان سپر دفاعی
خارج از مرزهای ملی برای ایران به شمار می‌رود. حضور حزب الله لبنان و دیگر گروه‌های شیعی
چون امل و گروه‌های مؤتلف سنی چون "جنبش توحید اسلامی" توان ایران را در پیشبرد
اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش می‌دهد و به تقویت متحدان منطقه‌ای همچون سوریه
می‌انجامد. با تثبیت حزب الله در عرصه سیاسی لبنان و با حفظ ابزار مقاومت عرصه بازیگری و
تأثیرگذاری ایران افزایش یافته و موجب ارتقای امنیت شیرامونی ایران می‌شود. از سوی دیگر از
آنجا که رژیم صهیونیستی اساسی‌ترین دشمن ایران به شمار می‌رود و رقیب ژئوپلیتیک و
راهبردی ایران نیز هست، مقاومت حزب الله در لبنان در کنار گروه‌های مؤثر فلسطینی و در
جنوب لبنان ضربه‌پذیری رژیم صهیونیستی را افزایش می‌دهد. از این رو نفوذ ایران در حزب الله
و گروه‌های شیعی لبنان به ابزاری در جهت رفع تهدیدات منطقه‌ای در خاورمیانه و خلیج فارس
تبدیل، و در واقع باعث افزایش قدرت هوشمند ایران در سطح بین‌المللی شده است آنگونه که
باید اذعان کرد که حزب الله در لبنان خط مقدم امنیت ملی ایران خارج از مرزهای جغرافیایی آن

تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران ۵

است و بال‌امینتی ایران در منطقه به شمار می‌آید. این مسئله در سال‌های اخیر با لبنانی‌تر شدن حزب‌الله و عمیق‌تر شدن حضورش در صحنه سیاسی لبنان، که با تشویق ایران همراه بوده است، ظهور جریان بیشتری یافته است.

و. ایدئولوژی دینی و آموزه‌های مکتب تشیع

باورها و ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی ایران به عنوان منبعی از قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی هم به گسترش و تعمیق حوزه نفوذ انقلاب اسلامی تبدیل شده و هم به عنوان ایجاد جبهه فرهنگی در مقابل نظام سلطه و نظام‌های وابسته، حاصل این دو اثر مهم بیداری اسلامی و حرکت‌های ضد صهیونیستی در منطقه و جهان اسلام است که ناشی از مقاومت فرهنگی در مقابل تهاجم و ناتوی فرهنگی غرب شکل گرفته است.

مطابق دیدگاه انقلاب اسلامی که برگرفته از آموزه‌های اسلامی و دینی می‌باشد، «رژیم صهیونیستی» به مثابه نماد ظلم، فساد، جنایت، نژاد پرستی، کفر و الحاد، سلطه و تجاوز به مسلمانان، غصب و اشغال، ضد بشریت، ضد اسلام و مسلمانان و ... تلقی می‌گردد؛ از این رو، نفی موجودیت و عدم شناسایی رژیم صهیونیستی و لزوم مبارزه با آن به معنای نفی و مبارزه با مفاهیمی است که از منظر گفتمان اسلام سیاسی می‌بایست نفی شوند و رژیم صهیونیستی، مصداق، مدلول، سرچشمه و نماد چنین مفاهیم ضدارزشی است. از این منظر، گفتمان صهیونیسم در عرصه‌ی روابط بین‌الملل به دنبال حفظ و توسعه‌ی رژیم صهیونیستی، تضعیف اسلام، تحقق اسرائیل بزرگ (از نیل تا فرات)، اشغال کامل فلسطین و تسلط بر قدس است. از سوی دیگر، تفکرات نژادپرستانه و قوم‌مدار صهیونیسم، عامل شکل‌گیری بسیاری از جنایت‌ها، ظلم، تبعیض‌ها و مفسدات اقتصادی و اخلاقی در جهان است. از این رو، دفاع از مسلمانان فلسطین در سیاست خارجی ایران، همسو با گرایش به پشتیبانی از مسلمانانی است که در حال مبارزه با کفار برای احقاق حقوق خود می‌باشند. به این ترتیب، یکی دیگر از مؤلفه‌های کلیدی قدرت نرم افزایش یافته‌ی انقلاب اسلامی را می‌توان سیاست‌های ایران در قبال منازعه‌ی اعراب و رژیم صهیونیستی دانست. از این رو، یکی از وجوه همگرایانه‌ی انقلاب اسلامی در محیط منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا، جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم است.

نتیجه‌گیری

از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی، رژیم صهیونیستی ماهیت انقلاب اسلامی را در تضاد با منافع ملی خود می‌دیده است، بنابراین با استفاده از ابزارها و مولفه‌های مختلف سعی داشته است تا زمینه ساز تهدیدات جدی برای ایران شود. براساس یک تحلیل، تهدیدهای رژیم صهیونیستی بر ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ناشی از تقابل ایدئولوژیکی و فکری است که این تقابل دائمی است و تنها شکل تهدید است که احتمال دارد با توجه به شرایط مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی دگرگون شود. و بسته به تحول شرایط سیاسی، اقتصادی بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی در هر یک از دو کشور، تهدیدها ممکن است وجوه مختلفی پیدا کند. براساس این نگرش جنگ بین ایران و رژیم صهیونیستی، جنگ دو آرمانگرایی تاریخی متعارض است و جنگی است بر سر بودن و نبودن یکی از طرفین و آمال و گرایش‌های بنیادین هر دو سوی تعارض (بیشتر رژیم صهیونیستی)، تاکنون به خوبی شناسانده شده است. براساس این دیدگاه رژیم صهیونیستی وجود خود را با عدم جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌کند.

ماهیت تهدیدهای امنیتی رژیم صهیونیستی با وضعیت سیاسی حاکم بر منطقه و تحولات داخلی دو کشور در ارتباط است، بنابراین درک تهدیدهای امنیتی رژیم صهیونیستی بر ضد ایران، بدون توجه به شرایط سیاسی منطقه‌ای و جهانی، غیرممکن است.

این رژیم همواره سعی کرده است، ایران را بزرگترین تهدید امنیتی خود و منطقه معرفی کند. در حالی که ایران عملاً در لایه‌های سوم تهدیدهای امنیتی رژیم صهیونیستی قرار دارد مقامات این رژیم جمهوری اسلامی ایران را بزرگترین تهدید این کشور تلقی می‌کنند. البته علت این بزرگنمایی تا حدی روشن است چرا که رژیم صهیونیستی وجود خود را با وجود دشمن تعریف می‌کند. در واقع تحقق بسیاری از اهداف داخلی و بین‌المللی رژیم صهیونیستی مستلزم وجود یک دشمن خارجی است که رژیم صهیونیستی با تبلیغات خود ایران را به عنوان دشمنی برای خود معرفی می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران به منظور ایفای نقش و بهره‌گیری از فرصت‌ها و چالش‌های موجود و با توجه به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های ساختاری قدرت خود باید قدرت خود را به خصوص در بعد نرم‌افزاری افزایش دهد تا بتواند هر چه بیشتر به مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی بپردازد. در بعد نرم‌افزاری، مهم‌ترین مؤلفه‌های تاثیرگذار عبارت بودند از: تأثیر انقلاب اسلامی در سطح خرد، تأثیر انقلاب اسلامی در سطح کلان، موقعیت استراتژیک ایران، ارتباط منطقه‌ای و

تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران ۵

بین‌المللی. شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران بر مبنای ارزش‌های اسلامی و مذهبی، موج جدید بیداری اسلامی را با محتوای جدید و اثرگذار در عرصه حکومت‌داری ایجاد کرد و به چند قرن خمودگی تمدن اسلامی پایان داد. از این‌رو، با توجه به فرهنگی بودن انقلاب ایران، می‌توان مدعی شد که انقلاب اسلامی، مولود قدرت نرم و مبتنی بر قدرت نرم است. واضح است این رویکرد در سطوح سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، انعکاس خواهد یافت و تعیین‌کننده سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در سطوح خرد و کلان خواهد بود. انقلاب اسلامی از یک سو دارای نگاه و بینش جهانی است و همه جهان را مخاطب قرار می‌دهد و از سوی دیگر، ارزش‌ها و آرمان‌هایش منطبق بر فطرت آدمی است. از این‌رو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در کنار پیگیری منافع ملی، اهداف بزرگتر و جهانی‌تری را باید دنبال کند که از آن جمله می‌توان به نفی ظلم و حمایت از مظلوم، برقراری روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز، دعوت به اسلام، ایجاد زمینه وحدت بین شیعه و سنی، تلاش در جهت ایجاد همبستگی میان امت اسلامی، بیداری ملت‌های مسلمان جهان، تلاش برای جهانی کردن مبارزه با رژیم صهیونیستی، تلاش برای عدالت محور شدن سازمان‌های بین‌المللی اشاره کرد.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

فهرست منابع

- ابوالفتحی، محمد و سعید پیرمحمدی. ۱۳۹۳. تاثیر مولفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه. مجله سیاست دفاعی. سال بیست و دوم، شماره ۸۶.
- احمدزاده، روح الله و محمدصادق اسماعیلی. ۱۳۸۹. فرهنگی شدن سیاست خارجی؛ رویکردی نرم‌افزارانه. در افتخاری و دیگران. تهران: دانشگاه امام صادق.
- الیاسی، محمدحسین. ۱۳۸۹. مقدمه‌ای بر ماهیت، ابعاد و مبانی تهدیدات نرم. (مجموعه مقالات). تهران: نشر ساقی
- امام خمینی. ۱۳۷۰. صحیفه. تهران: مرکز پژوهش‌ها و آثار امام خمینی.
- بابایی طلاتپه، محمدباقر. ۱۳۸۹. فرهنگ و تفکر بسیجی و قدرت نرم. در افتخاری و دیگران. تهران: دانشگاه امام صادق.
- بن مایر، آلن. ۱۳۹۱. واکنش‌های رژیم صهیونیستی به ایران هسته‌ای. ترجمه محسن کرمی ناوه‌کش. فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - رژیم صهیونیستی شناسی. سال سیزدهم، شماره ۳.
- پوراحمدی، حسین. ۱۳۸۹. قدرت، بسیج و امنیت نرم. در افتخاری و دیگران. تهران: دانشگاه امام صادق.
- پوستین چی، زهره. ۱۳۸۹. قدرت نرم در گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت. سال سوم، شماره ۷.
- پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران. ۱۳۹۰. جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تاکید بر جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد. سال بیستم، شماره ۶۱.
- ترکاشوند، جلال و بهرام مرادی. ۱۳۹۰. ساختار نظام بین‌الملل و چگونگی برخورد با قدرت هسته‌ای ایران و رژیم صهیونیستی. فصلنامه مدیریت نظامی. سال یازدهم، شماره ۴۱.
- جعفری، علی اکبر و سیدمحمد جواد قربی. ۱۳۹۵. مولفه‌های منابع سیاسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴. پژوهش‌های سیاست اسلامی. سال چهارم، شماره ۹.
- جعفری پناه، مهدی و منصور میراحمدی. ۱۳۹۱. مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی. فصلنامه معرفت سیاسی. سال چهارم، شماره ۲.
- جمعی از مولفان. ۱۳۹۰. دانستنی‌های سیاسی (ویژه جنگ نرم). تهران: نشر عقیدتی -

تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران ۵

سیاسی ناجا.

- حیدری، منصور و دیگران. ۱۳۹۵. سیاست خارجی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مورد واکاوی چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران). مجله سیاست دفاعی. سال بیست و چهارم، شماره ۹۴.

- دهشیری، محمدرضا و زهرا بهرامی. ۱۳۹۵. عرصه‌های تقابل هوشمند انقلاب اسلامی با رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. سال سیزدهم، شماره ۴۵.

- رباعه، عبدالله (۱۳۶۸). مساله اعراب و رژیم صهیونیستی. ترجمه وحید دستگردی. تهران: نشر شکور.

- مرادی، حجت اله. ۱۳۸۹. بررسی راهبرد تهدید سخت و نرم آمریکا در محیط نوین بین‌المللی. تهران: نشر ساقی.

- نائینی، علی محمد. ۱۳۸۹. مفهوم و ابعاد تهدید نرم در مطالعات امنیتی. تهران: نشر ساقی.

- نای، جوزف. ۱۳۸۸. دیپلماسی عمومی و قدرت نرم. مشهد: نشر آستانه.

- نای، جوزف. ۱۳۸۷. کاربرد قدرت نرم، ترجمه سیدرضا میرطاهر. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال دوم، شماره ۶.

منابع انگلیسی

- Haass, Richard. N. ۲۰۰۶. The New Middle East, Foreign Affairs, November/December.

- Huntington, Samuel. ۲۰۰۶. Samuel. Huntington revisits the clash of civilization. Islamic magazine/ global viewpoint. Distributed by tribune media service, inc.

- Kelly.paul. ۲۰۰۲. soft power for hard heads' the weekend Australian. No ۸(june)

- Rubin, Trudy. July ۱. ۲۰۰۹. Worldview, Iran talks must be delayed, The Philadelphia Inquirer.